

## قانون و عدالت در دنیای باستان\*

قوانین سولون [۶۴۰ - ۵۵۸ ق. م] ولوکور گوس بر گرفته از قوانین کِرت است که در اواخر هزارهٔ دوم قبل از میلاد در آن جزیره حاکم بود.

چنین به نظر می‌رسد که یونانیان باستان قانون را رسمی مقدس می‌دانستند که مورد تأیید خدایان است و سرچشمهٔ آن الهام الاهی است. تمسیس<sup>۱</sup> در زبان آنان هم براین رسوم اطلاق می‌شد، و هم نامه الهه‌یی است که (چون ریتای هندی و تائو یا تین چینی) نظم اخلاقی و هماهنگی جهان را مجسم می‌ساخت. قانون بخشی از دین بود و قدیمترین قوانین مالکیت یونان، در قانون نامه‌های باستانی معابد، با آداب و مقررات دینی آمیخته بود. مقراتی که به فرمان رؤسای قبایل یا پادشاهان برقرار شده و در آغاز اجباری بود، و سپس به هنگام خود جنبهٔ تقدس یافت، شاید، از لحاظ قدمت، با این قوانین دینی همپایه باشند.

---

\* متنی را که ملاحظه می‌فرمایید از تاریخ تمدن ویل دورانت برگرفته‌ایم تا نگاهی داشته باشیم به موقع قانون و قاضی و دادگاه و وکیل در ششصد سال پیش از میلاد مسیح.

۱- themis = آنچه وضع می‌شود، مشتق از themi - ti = من وضع می‌کنم. مفهوم اولیهٔ کلمهٔ انگلیسی doom = قانون، و کلمهٔ روسی duma نیز چنین است.

مرحله دوم تاریخ قانون یونان، جمع‌آوری و تنظیم این آداب و رسوم مقدس به دست قانون‌گذارانی چون ژالوکوس، خارونداس، دراکون، و سولون بود. پس از آن که این مردان قانون‌نامه‌های جدید خود را مدون ساختند، رسوم مقدس به قوانین بشری مبدل شد.<sup>۱</sup> در این قانون‌نامه‌ها، قانون از قملرو دین آزاد شد و روز به روز دنیوی‌تر گشت، در محاکمه مجرمین، قصد و نیت آنان از ارتکاب جرم، اهمیت و دخالت تمام یافت، مسئولیت مشترک خانوادگی جای خود را به مسئولیت فردی داد؛ و انتقام‌های شخصی به مجازاتهای قانونی دولت تبدیل شد.

مرحله سوم ترقی در یونان، رشد روزافزون مجموعه قوانین بود. هنگامی که یک تن یونانی عصر پریکلس از قانون آتن سخن می‌گوید، مقصودش قانون‌نامه‌های دراکون و سولون، و کلیه مقرراتی است که مجلس عامه یا مجلس اعیان وضع کرده است. به استثنای مقرراتی که لغو شده، اگر قانون جدیدی منافی قانون قدیم باشد، الغای قانون قدیم واجب است. اما بحث و تحقیق کامل در تناقض و تعارض این قوانین نادر است و بسیاری از متون قانونی، به نحوی مضحک، منافی یکدیگرند، در مواردی که ابهام و اغتشاش قوانین از حد می‌گذشت، از میان اعضای محاکم عمومی، جمعی به حکم قرعه انتخاب می‌شدند تا کمیته تثبیت قوانین را تشکیل دهند و معین کنند که کدام قانون باید ابقاء و کدام الغا شود. در این گونه موارد، وکلایی نیز معین می‌شدند تا از قوانین قدیم در مقابل کسانی که الغای آن را پیشنهاد کرده‌اند، دفاع کنند. با نظارت این کمیته، قوانین آتن به زبانی ساده و روشن بر لوحهای سنگی در «ایوان شاه» نقر می‌شود و، از این پس، هیچ یک از حکام حق آن ندارد که براساس قوانین غیرمدون حکمی روا دارد.

در حقوق آتن بین قوانین مدنی و قوانین جزایی فرقی نیست، جز این که رسیدگی به قتلها در صلاحیت دادگاه عالی قرا می‌گیرد و، در مورد دادخواستهای حقوقی،

۱- در زمان پریکلس، لفظ *thesmothetai* به شش تن آرخونهای کوچکتری که عهده‌دار ثبت و تفسیر و اجرای قوانین بودند اطلاق می‌شد. در عهد ارسطو، این عده بر محاکم عمومی ریاست داشتند.

اجرای احکام برعهده مدعی است، مگر وقتی که وی با مقاومت محکوم علیه مواجه گردد. قتل به ندرت روی می‌دهد، زیرا که این کار علاوه بر آن که جنایت است، اهانت به مقدسات دینی نیز محسوب می‌شود و حتی اگر قانون قاتل را قصاص نکند، وحشت انتقام قبیله‌ای همچنان برجا خواهد بود. در قرن پنجم، هنوز قصاص مستقیم در شرایط خاصی جایز است. اگر مردی ببیند که بین زن، یا مادر، یا رفیقه، یا خواهر، یا دخترش با مردی بیگانه رابطه نامشروع برقرار است، حق دارد که آن مرد را به قتل برساند. قتل خواه به عمد باشد، یا به غیرعمد، قاتل باید به کیفر رسد، زیرا که خاک شهر را آلوده ساخته است؛ و مراسم تطهیر، به نحو دردناکی، سخت و پیچیده است. اگر مقتول، پیش از آن که بمیرد، قاتل را بخشوده باشد، مجازات او دیگر ممکن نیست. تحت نظر دادگاه عالی، سه محکمه مأمور رسیدگی به قتلها است. و با توجه به طبقه و نسبت مقتول، و برحسب این که ارتکاب جرم به عمد و یا به غیرعمد بوده، و بخشودنی یا غیربخشودنی است، قضاوت می‌کند. محکمه چهارمی نیز هست که در فریاتوس در کنار دریا قرار دارد و مأمور محاکمه کسانی است که یک بار به جرم قتل غیرعمد نفی بلد شده و برای بار دوم به قتل عمدی متهم گردیده‌اند. این گونه کسان، چون به جرم اول آلوده گشته‌اند، حق آن ندارند که قدم به خاک آتیک بگذارند، و از این روی دفاع ایشان از قایقی نزدیک به ساحل صورت می‌گیرد.

قوانین مربوط به مالکیت شدید و انعطاف‌ناپذیرند. قراردادهای بی‌چون و چرا اجرا می‌شود. داوران باید سوگند یادکنند که «هرگز به الغای دیون شخصی، یا تقسیم اراضی و خانه‌های مردم آتن رأی ندهند.» و هر سال آرخون بزرگ، پس از انتخاب به آن مقام، منادیان را مأمور می‌دارد تا در میان مردم بگویند که «هرکس هرچه دارد، صاحب آن است و از این پس نیز مالک مطلق اموال خویش خواهد بود.» و حق وصیت هنوز سخت محدود است. هرگاه که فرزندان نکور دربین باشند، عقیده مذهبی قدیم دراین باب، که با ادامه سلسله معینی از خاندان و خدمت به ارواح نیاکان بستگی دارد، چنان

ایجاب می‌کند که ترکه، به خودی خود، در تصرف فرزندان ذکور قرار گیرد. پدر فقط به عنوان ودیعه‌دار املاک را در اختیار می‌گیرد و آن را برای اعضای مرده و زنده و آینده خانواده خویش حفظ می‌کند. در آتن (تقریباً چنانکه در فرانسه معمول است) میراث پدری بین وارثان ذکور تقسیم می‌شود و فرزندان ارشد اندکی بیش از دیگران ارث می‌برند در صورتی که در اسپارت (چنان که در انگلستان مرسوم است) املاک موروثی قابل تقسیم نیست و تنها پسر ارشد مالک آن می‌شود. حتی در زمان هزیود می‌بینیم که دهقانان، به روش مردمان گل، از توسعه خانواده و افزایش فرزندان خویش پیشگیری می‌کنند تا مبادا که املاکشان در میان پسران تقسیم شود و به ویرانی گراید. زن از شوی خویش ارثی نمی‌برد، و تنها چیزی که برایش باقی می‌ماند جهیزیه اوست. در زمان پریکلس، همچون زمان ما، وصیتنامه‌ها پیچیده و مبهمند، و از لحاظ عبارات و اصطلاحات نیز به وصیتنامه‌های ما شباهت بسیار دارند. در این مورد نیز، چون موارد دیگر، قوانین یونان اساس حقوق روم است که آن نیز به نوبه خود مبانی حقوقی مغرب‌زمین را پایه‌گذاری کرده است.

**تأمین عدالت** آخرین مرحله دموکراسی است؛ و بزرگترین اصلاحی که به دست افیالتس و پریکلس صورت می‌گیرد انتقال قدرت قضایی است از دادگاه عالی و دستگاه آرخونی به محاکم قضایی، تأسیس این محاکم، که به عموم وابسته است، برای مردم آتن چیزی را تأمین می‌کند که اروپای جدید، بر اثر وجود هیأت منصفه در دادگاهها، از آن برخوردار خواهد شد. هلیایا<sup>۱</sup> (دیوان عدالت) از شش هزار عضو تشکیل می‌شود که هر ساله از روی دفاتر ثبت نام شارمندان، به حکم قرعه انتخاب می‌شوند؛ این شش هزار تن به ده شعبه تقسیم می‌شوند و در هر شعبه تقریباً پانصد نفر عضویت دارند، عده‌یی که از این جمع باقی می‌ماند، اعضای علی‌البدلند و در مواردی که ضرورت ایجاب کند،

۱- مشتق از هلیوس = خورشید؛ محلی بود که محاکم در آن تشکیل می‌شد. این تسمیه از آن رو است که قضات این محاکمه در فضای آزاد اجلاس می‌کردند.

به کار گماشته می‌شوند. دعاوی محلی کم‌اهمیت‌تر را سیتن قضاتی که در فواصل معین به بخشهای آتیک سفر می‌کنند، فیصله می‌بخشند. چون مدت عضویت محکمه در هر بار بیش از یک سال نیست، و چون اعضاء نیز به نوبت انتخاب می‌شوند، از این روی، تقریباً برای هر یک از شارمندان، وصول به این مقام، در هر سه سال یک بار، ممکن است. ادامه این وظیفه اجباری نیست، ولی ۲ اوبولوس مقرری روزانه (که بعداً به ۲ اوبولوس افزایش می‌یابد) موجب می‌شود که در هر شعبه دویست تا سیصد عضو حضور یابند. محاکمات مهم، همچون محاکمه سقراط، ممکن است که در حضور دادگاهی مرکب از دوازده هزار عضو صورت گیرد. برای آن که فساد و ارتشاء تا آخرین حد ممکن تقلیل یابد، در آخرین لحظه به حکم قرعه معین می‌شود که فلان محاکمه در کدام دادگاه باید اجرا شود، و چون مدت محاکمات غالباً بیش از یک روز نیست، از ارتشاء در دادگاهها اخبار بسیاری در دست نداریم؛ حتی برای مردم آتن دشوار است که در یک لحظه سیصد عضو دادگاه را با رشوه راضی کنند.

با وجود آن که در اجرای امور تسریع می‌شود در دادگاههای آتن نیز، چون همه دادگاههای جهان، تأخیر بسیار در کارها روی می‌دهد، زیرا که مردم آتن بیماری دادخواهی دارند، و برای درمان آن، از روی فهرست اسامی شارمندان که به سن شصت رسیده‌اند، جمعی را، به حکم قرعه، به حکمیت عمومی انتخاب می‌کنند. دو طرف دعوی دادخواست و دفاعیه خود را به یکی از این حکمها، که او نیز در آخرین لحظه به حکم قرعه معین شده است، تقدیم می‌دارند، و هرطرف اندک مبلغی از این بابت به وی می‌پردازد، اگر شخص حکم به آشتی دادن آنان توفیق نیابد، حکم خود را صادر و آن را با سوگندی مؤکد می‌کند. آن‌گاه هر یک از دو طرف می‌تواند دادخواست خود را به محاکم تسلیم دارد، ولی معمولاً محاکم از رسیدگی به دعاوی کم‌اهمیتی که به حکمیت واگذار شده است، خودداری می‌کنند. هنگامی که محکمه دادخواستی را با قید قسم پذیرفت، و شهود نیز بر صحت گفته‌های خود سوگند خوردند، کلیه مطالب کتیباً به محکمه تسلیم و

در صندوق مخصوصی مهور می‌شود. چندی بعد، هیأتی که به حکم قرعه معین شده است، این مدارک را از صندوق بیرون می‌آورد و مورد رسیدگی قرار می‌دهد و حکم صادر می‌کند. در آتن مدعی‌العموم وجود ندارد. اعتماد دولت با شارمندان است و از آنان می‌خواهد که هرکس را که برخلاف مصالح دولت یا برضد دین عمل کند به دادگاه بکشند. از اینجا يك طبقه «مفتخور» پدید می‌آید که تهمت زدن را پیشه خود می‌سازد و آن را به «هنر باج سبیل گرفتن» تبدیل می‌کند. در قرن چهارم، این گروه، با اقامه دعوی بر علیه ثروتمندان، یا بهتر بگوییم با تهدید ایشان به اقامه دعوی، درآمد سرشاری به دست می‌آورند؛ زیرا عقیده دارند که محاکم عمومی توانگرانی را که قادر به پرداخت جریمه سنگین باشند، به اکراه تبرئه می‌کند.<sup>۱</sup> پرداخت مخارج دادگاهها غالباً از جرمانه‌هایی که محکومین می‌پردازند، تأمین می‌شود. شاکیانی که از اثبات اتهام خود عاجز بمانند باید جرمانه بپردازند، و اگر کمتر از يك پنجم مجموع آرای داوران را تحصیل کنند، باید تازیانه بخورند، و یا جرمانه‌ای به مبلغ يك هزار در اخما (معادل هزار دلار) بپردازند. رسم بر آن است که طرفین دعوا شخصاً از خود دفاع کنند و هر طرف دعوی خود را نخست شخصاً عرضه دارد. ولی هنگامی که آیین دادرسی پیچیده و مبهم می‌شود، و طرفین دعوا دادگاهیان را در برابر فصاحت بیان حساس می‌بینند، رفته رفته استخدام سخنرانان قانونشناس معمول می‌شود. این اشخاص حمایت شاکیان و دفاع از متهمین را برعهده می‌گیرند یا، به نام و برحسب حال موکلین خود، خطابه‌هایی مهیا می‌سازند تا آنان در دادگاه قرائت کنند. از اینجا پیدایش وکلای مدافع آغاز می‌شود. دیوجانس لائرتیوس در شرح احوال بیاس، فرزانه پریسه، می‌نویسد که وی مردی سخنور و وکیل دعاوی بود و فصاحت خویش را در طرفداری از حق به کار می‌برد. بعضی از این وکلا

۱- کریتون، دوست ثروتمند سقراط، شکایت از آن داشت که در آتن، برای کسی که بخواهد فقط به کار خود بپردازد، زندگی مشکل است؛ و می‌گفت: «هم اکنون کسانی هستند که بر علیه من اقامه دعوی کرده‌اند؛ نه بدان علت که از من زبانی دیده‌اند، بلکه از آن روی که می‌پندارند پرداخت مبلغی پول برای من آسانتر است از تحمل رنج سحاکات».

به‌عنوان مفسر به دادگاهها وابسته‌اند، زیرا بسیاری از داوران، بیش از طرفین دعوا، اطلاعات حقوقی ندارند.

معمولاً دلایل طرفین کتباً به دادگاه عرضه می‌شود. لکن وقتی که منشی جلسه به قرائت آن می‌پردازد، شهود باید حضور یابند و به صحت شهادت خود سوگند یاد کنند. گواهان را با یکدیگر مواجهه نمی‌دهند. گواهی دروغ چندان فراوان است که گاه رأی محکمه برخلاف شهادت مؤکد به سوگند صادر می‌شود شهادت زنان و کودکان فقط در موارد قتل پذیرفته است. شهادت بردگان را نیز فقط وقتی می‌پذیرند که با شکنجه از آنان گرفته شود، زیرا عقیده بر آن است که ایشان تا تحت شکنجه قرار نگیرند، راست نمی‌گویند. این جنبه غیرانسانی حقوق یونان است که بعدها در زندانهای روم و در سردابهای تفتیش افکار بشدت و به حد افراط اعمال می‌شود و شاید آنچه در حجره‌های پنهانی دادگاههای پلیسی عصر ما روی می‌دهد نیز از آن کمتر نباشد. در عصر پریکلس، شکنجه دادن شارمندان ممنوع است. بسیاری از اربابان نمی‌گذارند که بندگانشان به کار شهادت دادن گرفته شوند حتی اگر اثبات مدعایشان به چنان شهادتی وابسته باشد، و هرگاه که بر اثر شکنجه آسیبی همیشگی و درمان‌ناپذیر بر برده‌ای وارد شود، کسی که موجب آن گردیده است باید آن را جبران کند.

مجازات‌ها عبارتند از تازیانه‌زدن، اخذ جرمانه، سلب رأی، داغ نهادن، مصادره اموال، نفی بلد، و اعدام. مجرمین را به‌ندرت محبوس می‌سازند. یکی از اصول حقوق یونان آن است که بردگان باید جسماً مجازات شوند و مردمان آزاد، مالا. بر روی يك گلدان تصویر برده‌ای است که وی را از دست و پا آویخته‌اند و بیرحمانه تازیانه می‌زنند. مجازات شارمندان معمولاً اخذ جرمانه است و میزان آن به حدی است که دموکراسی آتن را بدین متهم می‌دارند که خزانه خود را از طریق محکومیت‌های ظالمانه پر می‌سازد. ولی از سوی دیگر، محکوم‌علیه و محکوم‌له در بسیاری از موارد حق دارند که خود میزان جریمه یا نوع مجازات را به نحوی که شایسته می‌دانند معین کنند؛ سپس

دادگاه یکی از مجازاتهای پیشنهاد شده را انتخاب می‌کند. مجازات قتل نفس، اهانت به مقدسات، خیانت به وطن، و بعض جرایمی که در نظر ما چندان اهمیتی ندارند، هم مصادرهٔ اموال و هم اعدام است؛ ولی معمولاً پیش از صدور حکم دادگاه، کسی که مجازات خود را اعدام می‌داند، می‌تواند از کلیهٔ اموال خود بگذرد و داوطلب تبعید گردد. اگر متهم تبعید شدن را ننگ بشمرد و از شارمندان باشد، اعدام وی باید به نحوی انجام گیرد که با حداقل درد و عذاب همراه باشد، و برای این کار معمولاً شوکران به او می‌خورانند. شوکران بدن را به تدریج کرخت می‌کند؛ این بی‌حسی از پا آغاز می‌شود و چون به قلب رسد موجب هلاکت می‌گردد. در مورد بردگان، اعدام ممکن است به نحوی فجیع و با ضربات چوب و چماق صورت گیرد. گاهی نیز محکوم را، پیش از مرگ یا پس از آن، از فراز صخره‌ای به درون پرتگاهی که بار اترون نام دارد، پرتاب می‌کنند تا رسم قدیم و روح انتقامجویی محفوظ بماند.

قانون‌نامهٔ آتن، چندان که انتظار می‌رود، روشن‌بینانه نیست و فقط اندکی از قوانین حمورابی پیشرفته‌تر است. نقص اساسی آن در این است که حقوق قانونی را به مردمان آزادی که بیش از یک هفتم جمعیت آن سرزمین نیستند، اختصاص می‌دهد. حتی زنان آزاد و کودکان نیز از تساوی حقوق که مایهٔ مباهات شارمندان است، محرومند. اتباع ممالک بیگانه و بردگان فقط به وسیلهٔ شارمندان و تحت حمایت آنان قادر به اقامهٔ دعوی هستند. اخاذی از راه ارباب و تهدید، شکنجهٔ مکرر بندگان، مجازات اعدام برای جرمهای کوچک، اهانت‌های شخصی در مباحثات حقوقی، تشمت و ضعف در مسئولیت‌های قضایی، حساسیت دادگاهیان در برابر فصاحت و کلا، ناتوانی داوران در تعدیل احساسات آنی خویش با اطلاعاتی که از سوابق امر دارند، یا با محاسبهٔ عاقلانهٔ آینده آن اینها همه نقیصه‌هایی است که در دستگاه قضایی آتن موجود است؛ لکن، با وجود این، در سایر نواحی یونان بر اعتدال و کمال نسبی این دستگاه رشک می‌برند. دستگاه قضایی آتن، برای حفظ جان و مال و مردم و تأمین نظم که لازمهٔ فعالیت‌های اقتصادی و



رشد اخلاقی است، شایستگی کافی دارد. احترامی که تقریباً همه شارمندان نسبت به این دستگاه در دل دارند، دلیل شایستگی آن است. در نظر شارمندان آتن، قانون روح شهر و مایه سعادت و قدرت آن است. بهترین دلیل بر شایستگی قانون‌نامه آتن، اقبالی است که سایر کشورهای یونان در اخذ قسمت اعظم آن نشان دادند. ایسوکراتس می‌گوید: «همه معترفند که قوانین ما، برای جهان بشریت، منشأ خیر و سعادت بوده است» در اینجا، برای نخستین بار در تاریخ جهان، حکم قانون رواست، نه حکم مردم.

تا زمانی که امپراطوری آتن برقرار است، قوانین آتن بر سرتاسر امپراطوری و دو میلیون مردم آن فرمانرواست. ولی از آن پس، هرگز در یونان يك نظام قضایی ثابت و واحد وجود ندارد. در آتن قرن پنجم، مانند وضع در جهان امروز ما، قوانین بین‌المللی به وضع تأسفانگیزی دچار است. با این همه، تجارت خارجی محتاج قوانینی است. در زمان دموستن، معاهدات بازرگانی چندان فراوان است که به روایت وی، «قوانین مربوط به اختلافات تجارتي در همه جا یکی است». این معاهده‌ها موجب تشکیل نمایندگیهای قنسولی می‌گردد و اجرای قراردادها را تضمین می‌کند و رأی صادرشده در یکی از ممالک همپیمان را در سایر ممالک اعتبار می‌بخشد. ولی به هر حال، این پیمانها دزدی دریایی را بر نمی‌اندازد، و هرگاه که ناوگان غالب و فایق ناتوان می‌گردد یا از حراست خود غفلت می‌کند، دزدان دریایی میدان به دست می‌آورند. هشیاری مدام، بهای نظم و آزادی است. و بی‌قانونی، چون گرگی گرسنه، برگردد هر دیار معمور می‌گردد تا مگر راهی به درون آن بیاید. در بعضی از کشورهای یونان، شهرها حق دارند که، برای تهیه آذوقه و تأمین مایحتاج خود، به شهرهای دیگر حمله برند و اموال مردم آنجا را تاراج کنند، مگر وقتی که معاهده‌ای بین دو شهر این عمل را صریحاً منع کند. مذهب توانسته است معابدی را که پایگاه نظامی نیستند از تجاوز و بی‌حرمتی مصون دارد، و کسانی را که برای شرکت در جشنی عمومی به یونان آمده‌اند، مورد حمایت قرار دهد، و مقرر داشته است که قبل از آغاز کارزار، رسماً اعلان جنگ صادر شود و تقاضای متارکه

موقت جنگ، برای حمل و دفن اجساد مقتولین، پذیرفته گردد. برحسب معمول سلاح زهرآلود به کار نمی‌رود، و رسم بر آن است که اسیران جنگی را مبادله کنند، یا در مقابل خونبهایی که نرخ رسمی آن دو مینا، و بعداً یک مینا (هرمینا معادل صد دلار امریکایی) مسترد دارند. ولی جز از این لحاظ، جنگهای میان یونانیان، چون جنگهای امروز جهان مسیحی، خونین و سبعمانه است. شمارهٔ عهدنامه‌ها بسیار است و با سوگندهای سنگین مؤکد شده‌اند ولی تقریباً همیشه نقش می‌شوند. اتحادهای فراوان به وجود می‌آید، و برخی از آنها، چون اتحادیهٔ آمفیکتوئونی در قرن ششم، و اتحادیهٔ آخایی و اتحادیهٔ آینولیایی در قرن سوم، زمان درازی پایدار می‌مانند. گاهی میان دو شهر، برای حفظ احترام متقابل، اصل تساوی حقوق سیاسی برقرار می‌گردد، که به موجب آن، به مردمان آزاد یکدیگر حق شارمندی می‌دهند. حکمیت بین‌المللی صورت‌پذیر است، لکن رأی این داوران اغلب مردود یا نادیده گرفته می‌شود. یونان برای افراد بیگانه به هیچ نوع تعهد اخلاقی مقید نیست و تعهدات قانونی را نیز فقط وقتی گردن می‌نهد که در عهدنامه‌ای آمده باشد. مردم یونان، بیگانگان را بربریان<sup>۱</sup> می‌نامند - البته مقصود از این کلمه، مردم وحشی نیست، بلکه مقصود کسانی است که به زبانی جز یونانی سخن می‌گویند. یونان فقط در عصر جهان وطنی هلنیستی، و بر اثر افکار فلاسفهٔ رواقی، به درک موازین اخلاقی که نوع انسان را کلاً شامل است، نایل می‌گردد.

۱- این کلمه با «باربارا» سانسکریت و «بالبوس» لاتین، که هر دو به معنی بل‌بل کردن و سخن نامفهوم گفتن است، ریشهٔ مشترک دارد. یونانیان از استعمال این لفظ بیشتر به غرابت زبان مردم بیگانه‌نظر داشتند تا به دور بودن آنان از مدنیت.